

هزار و یک شب

و شهر زاد قصه گو

سید محمود سجادی

عمر داستان به قدمت عمر بشر است. انسان غارنشین، انسان بدوی، انسان ماقبل تاریخ، انسان حتی قبل از پدیداری زبان و تکلم با ایما و اشاره، قصه گفته است. انسان با قصه زاده شده و با قصه زیسته و می‌زید. تاریخ حیات بشر آمیختگی عمیق و نیرومندی با قصه و قصه‌گویی دارد.

هرجا تجمعی از انسان‌ها تشکیل شد، قصه‌ها، مثل‌ها و داستان‌هایی گفته و شنیده شده. باید بدانیم که هم‌ریشگی **History** به معنای تاریخ و **Story** به معنای داستان از همین حقیقت دیرینه تاریخی نشأت می‌گیرد.

در دوران‌های بسیار بسیار قدیم که نه کتابت بود، نه کتاب بود و طبعاً نه رادیو و تلویزیون و سینما بود و نه هیچ رسانه دیگر، قصه‌گویی و قصه‌سازی بهترین عامل ارتباطی انسان‌ها با یکدیگر بود و به‌خصوص بزرگ‌ها با کوچک‌ها و جوان‌ها، داستان‌های عجیب و غریبی به‌وجود آمد، آرزوهای غیر ممکن، آرزوهای محال که با ساختن قصه برای مدتی رنج‌ها و ناکامی‌های بشر را تسکین و سکون می‌دادند. قصه‌های جن پری و دیو و اژدها و... اسطوره (که صورت معرب **Story** است) از همین رهگذر به‌وجود آمد. اگر قرآن عبارت "اساطیر الاولین" را به کار می‌برد (اساطیر جمع اسطوره است) دقیقاً آن را در مقابل حقایق تاریخی قرار می‌دهد و می‌فرماید که این حوادث، واقعیات تاریخی هستند نه اسطوره‌ها و قصه‌های غیرواقعی. داستان اساطیری معروف

"گیل گمش" عمری چند هزارساله دارد. شهرزاد قصه گو برای ما ایرانیان شخصیتی قدیمی و آشناست که در مخیله تاریخی مان جایگاهی مانوس، مالوف و در عین حال اسرار آمیز دارد. ما عادت کرده ایم که ملاعبه الطیف طسوجی را مولف کتابی مشهور "هزار و یک شب" بدانیم در حالی که طسوجی در دوران قاجار بوده اما اصل کتاب عمری بسیار طولانی دارد. مرحوم علی اصغر حکمت در مقدمه ای که بر این کتاب در سال ۱۳۱۵ شمسی نوشته (چاپ کلاله خاور) تاریخچه ای از هزارویکشب را مختصراً اما بسیار مفید و رسا ارائه می فرماید:

"آنچه از نوشته ها و آثار قدیم و تتبعات علمای شرق شناس فرنگستان مستفاد می شود این است که در آغاز کتاب الف لیل و لیله قبل از دوره سلاطین فرس قدیم (هخامنش) در هندوستان به ظهور رسید، بعدها در عهدی که ظاهراً قبل از اسکندر است به ایران آمده و به لغت فارسی قدیم ترجمه گردید و هزار افسان نامیده شد. سپس در قرن سوم هجری هنگامی که در بغداد کتب علمی و ادبی از السنه مختلفه به عربی ترجمه و نقل می شد این کتاب نیز کسوت عربی پوشید و دیر زمانی در بغداد در دست اهل فضل دست می گشت و از آثار ادبی عرب هم از عهد بداوت (۱) و هم در زمان حضارت (۲) حکایات و قصصی بر آن افزوده شد، تا این که در قرن چهارم بعد از المتوکل عباسی که اهل علم و دانش از بغداد کتب و فضایل و علوم را به اصفاع (۳) ممالک اسلامی حمل می نمودند، این کتاب نیز منتقل به مصر شد و در قاهره به دست قصه سرایان و نقالان افتاد. در عهد سلاطین ممالیک مصری و حکایت سرایان مصر بر آن کتاب افسانه های بسیار که بعضی از بافته های مصر و بعضی از ماخذ یهود بود افزودند. عاقبت الامر در قرن دهم هجری (شانزدهم م سیحی) کتاب مذکور جمع آوری و تدوین یافت و به صورت الف-لیل و لیله کنونی درآمد و در قرن هجدهم اولین ترجمه فرانسوی آن به دست آنطوان گلان (ع) انجام گرفت و به اروپا معرفی شد..."

به همین دلیل است که می بینیم در اروپا و آمریکا و کشورهای خارجی، شهرزاد کاملاً شناخته شده است. شخصیتی که نماد قصه و قصه گوئی است و در میان توده های مختلف مردم از شهرت و محبوبیت ویژه و ممتازی برخوردار است.

همین واقعیت باعث شده که سال ۲۰۰۴ میلادی از سوی یونسکو "سال جهانی هزارویک شب" نام گذاری شود و دیدیم که برنامه های متعدد و مختلفی در این ارتباط در مجامع علمی و دانشگاهی جهان تشکیل شد از جمله گردهمایی علمی بین المللی هماویی هزارویکشب و خاورشناسی که در آذر ۱۳۸۱ شمسی در موزه مردم شناسی اوساکای ژاپن برگزار شد و ایران شناسان و مورخان و متخصصان داستان نویسی جهان در آن دو روز سخنرانی هایی ارائه نمودند که بعدها در یک مجموعه گردآوری و چاپ شدند.

این ندیم کتاب شناس، کتاب گذار و فهرست نویس ارزشمند قرن چهارم ایران در "الفهرست"

معروف خود از کتابی تحت عنوان "هزار افسان" نام برده و محقق ایرانی سابق الذکر آن را مقدم بر ظهور اسکندر دانسته و احتمال می‌دهد که بعضی حکایات شاهنامه که جنبه قصه و خرافات دارد از آن کتاب نقل شده و برهان دیگر بر این معنی شعری است که فرهنگ جهانگیری از قطران تبریزی نقل می‌کند:

هزار و یک صفت از هفت‌خوان رویین دژ

فرو شنیدم و خواندم من از هزار افسان

کتاب مذکور تا قرن چهارم هجری وجود داشته و قطران شاعر آن را خوانده و حکایت هفت‌خوان رویین دژ را که در شاهنامه مفصلاً ذکر شده، در آن کتاب دیده است.

دخویه (۵) شرق‌شناس هلندی معتقد است که کتاب الف لیل و لیله با کتاب استر در تورات و قسمتی از کتاب شاهنامه از یک چشمه آب خورده و از بسیاری جهات با یکدیگر

ارتباط کامل دارند... علمایی که از اصل کتاب الف لیل

و لیله بحث کرده‌اند همگی اصل شرقی (ایران و هند

و عرب) برای آن قایل شده‌اند و مخصوصاً سیلوستر

دسائی (۶) در کتاب *Journe dessavants* معتقد

است که این کتاب زاییده فکر عربی است و ویلیام

لین (۷) انگلیسی نیز سخن او را تایید نموده ولی بالأخره

در نتیجه تتبعات و تحقیقات فن‌ها مرپورگشتال (۸)

آلمانی و دخویه هلندی و آسترپ (۹) دانمارکی این

قضیه محرز شده که کتاب مذکور اصلاً در هند به‌ظهور

رسیده و سپس در زمان هخامنشیان به ایران آمده و در

سده سوم هجری به عربی ترجمه شده و در حدود سده

پنجم به مصر رفته و بالأخره در آنجا به صورت فعلی

درآمده است. در طول این ازمینه این اماکن دستخوش

انواع تحول و تبدیل بوده است و از اصل هندی و فارسی

جز حکایات معدودی باقی نمانده. در میان علمای شرق‌شناس بارون کارادو و کس مؤلف

کتاب "متفکرین اسلام" (۱۱) تنها کسی است که برخلاف اصل آسیایی کتاب بحث

نموده و سعی کرده که منبع این کتاب را به آثار ادبی یونان منتسب بدارد. کتاب الف لیل

و لیله در طی قرون گذشته به زبان های فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی، اسپانیایی،

ارمنی و غیره ترجمه شده است.

ترجمه فرانسوی این کتاب که توسط آنتوان گلان سابق الذکر انجام شده (بین سال‌های ۱۴-

۱۷۱۲ میلادی) باعث شهرت جهانی آن به خصوص میان ملل مغرب زمین شده و تأثیرات

عمده و مهمی روی ادبیات اروپایی به‌خصوص ادبیات داستانی آن به جا گذاشت.



چندین چاپ عربی هم از متن ترجمه شده این کتاب از قرن نوزدهم میلادی به بعد وجود دارد که مشهورترین آنها طبع بولاق مصر است در چهار مجلد که در سنه ۱۲۵۱ هجری صورت پذیرفته و احتمالاً ترجمه فارسی آن توسط میرزا عبداللطیف طسوجی از روی همین طبع در سال ۱۲۶۰ قمری صورت پذیرفته:

در زمان محمد شاه صاحب اختیار کل ممالک آذربایجان بهمن میرزا مهین فرزند ولیعهد نایب‌السلطنه عباس میرزا، میرزا عبداللطیف طسوجی تبریزی را فرمودند که این نسخه بدیع را از تازی به پارسی درآورد و اقصاح‌الشعرا (۱۲) میرزا محمدعلی سروش اصفهانی را فرمودند به جای اشعار عربی، شعر فارسی از کتب شعرا مناسب همان مقام بنویسد و هر شعری که به قصه و حکایتی منوط و مربوط می‌شود، مضمون آن را خود انشا نماید. این ترجمه در اوان سلطنت محمدشاه شروع شد و پس از ۱۲۶۴ ق که وی وفات یافته و نوبت سلطنت به ناصرالدین‌شاه رسید این خدمت به پایان آمده است.

قدیمی‌ترین نسخه خطی که از حیث نفاست خط و تصاویر و تذهیب به منتهای کمال است، نسخه‌ای است که در کتابخانه سلطنتی در تهران موجود است و در مقدمه آن می‌نویسد: "کمترین کاتب حضرت السلطانی محمدحسین الطهرانی تحریر نمود ۱۲۶۹" و در پایان آن می‌نویسد: "به سرکاری و دستیاری خان‌زاد دولت ابد مدت قاهره دوستعلی‌خان معیرالممالک این شش جلد کتاب مستطاب الف لیله که در مدت هفت سال تمام اتمام یافت و غیرت هشت روضه علین و نگارخانه چین آمد صورت اختتام پذیرفته چاکر درگاه آسمان خرگاه رشیدالدین منشی بیگدلی به تحریر این چند کلمه پرداخت. فی شهر محرم الحرام سنه ۱۲۶۷".

مرحوم علی‌اصغر حکمت (۱۳) وزیر دانشمند پهلوی اول در مورد این نسخه می‌فرماید: "از حیث فصاحت کلام و حسن تعبیر و سلاست سخن و کمال انسجام، ترجمه الف لیله یکی از آثار بدیعه فارسی است که در قرون اخیر به ظهور پیوسته است."

ابوالفتح‌خان دهقان سامانی اصفهانی به تشویق و درخواست سلیمان‌خان‌رکن‌الملک شیرازی به نظم این اثر ارزشمند داستانی پرداخت و آن را "هزارستان" نامید که اشاره هوشمندانه‌ای را نیز شامل است چرا که هزارستان نام پرنده‌ای خوش‌آوا است و نیز داستان به معنای افسانه و داستان است و عدد هزار قبل از آن با الف به معنی عدد هزار در زبان عربی ارتباط جایی دارد. این ترجمه منظوم در سال ۱۳۱۳ هجری قمری یعنی سالی که ناصرالدین شاه قاجار به دست میرزا رضای کرمانی در حرم حضرت عبدالعظیم با گلوله کشته شده به طبع رسید و ماده تاریخ آن هم "باغ گل داد طبع دهقان باز" استخراج و ارائه گردید. دهقان سامانی در این کتاب ملترزم بوده است که اسامی روزها و ماه‌های سال را در ضمن هزارویک‌شب به فارسی بسراید، از جمله:

شب دوم چو آشکارا شد / شه بر لعبت دلارا شد

آن شب غصه‌سوز عیش‌اندوز/بُد شب دلفروز بهمین
روز

بوسه زد بر لبان هوش‌ریبا /گفت ای آفتاب ماه‌لقا
بگشا خوش ز هم لب شیرین /کن تمام آن حکایت
دوشین

گزیده‌هایی از قصه‌های هزار و یک‌شب را خانم
شمس‌الملوک مصاحب در سال ۱۳۵۱ به چاپ رساند
که در دسترس است.

پس داستان هزار و یک‌شب ریشه هنری دارد، در ایران
نشو و نما پیدا کرده و گسترش و ادامه یافته است،
دامنه آن به کشورهای دیگر جهان کشیده شده و
اینک شخصیت‌های داستان دلکش هزار و یک شب در
قسمت‌های مختلف جهان از شهرت وسیعی برخوردارند.

تأثیری که هزار و یک شب بر ادبیات، به‌خصوص ادبیات داستانی اروپا و آمریکا دارد
انکارناشدنی است. در موسیقی، تئاتر، سینما، اپرا، باله و جلوه‌های دیگر هنرهای تصویری
و صوتی و موسیقایی تأثیر مشخص و ممتازی گذاشته است که ان‌شاء... در فرصتی دیگر
مفصلاً به آن پرداخته خواهد شد.

پی‌نوشت:

۱. دوران صحرائنشینی و بیابانگردی
۲. شهرنشینی، تمدن تماس
۳. امتناع جمع متمم است به معنی ناحیه و بخش که طبعاً نواحی و بخش‌هاست.
۴. Antoine gauland مستشرق فرانسوی. در زمان نگارش این مطلب، کلمات خارجی را نیز با املاي
عربی می‌نوشتند: آنتوان به جای آنتوان.
۵. Degoje.
۶. Sylvestere de sacy
۷. William lané
۸. Wan hammer vauX
۹. Oestrup.
۱۰. Baron carrade vauX.
۱۱. Les peseurs deislam.
۱۲. لقب رسمی سروش اصفهانی "شمس الشعرا" بود اما نویسنده مقدمه شاید احتراماً لقب الفصح الشعرا را که
به سعدی اختصاص داده، به او می‌دهد.
۱۳. مرحوم علی‌اصغر حکمت یکی از چهره‌های نادرالوجود قرن اخیر ایران است و از مترجمین و شارحین
کتاب تاریخ ادبی ایران نوشته پرفسور ادوارد براون انگلیسی.

